پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۳۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲
صص ۳۳-۵۵ (مقاله پژوهشی)

No. 32, Spring & Summer 2023

نقش نشانه‌های لفظی در بخش‌بندی موضوعی سوره‌های قرآن کریم؛ مطالعه موردی سورهٔ حجرات

محمد تیموری[۱]، محمدرضا آرام[۲]، سیدمحمد رضوی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱/۹ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۳/۲۱)

چکیده

سوره‌های قرآن به مثابهٔ واحدی پیوسته، دارای ساختاری منسجم و منظم هستند و هریک از آنها، از موضوعات و مضامین متنوعی تشکیل شده‌اند که بر خلاف ظاهر پراکندهٔ موضوعات، بی‌ربط نیستند بلکه به عنوان اجزاء ساختاری، برای تأمین هدف و موضوع محوری سوره، ضروری و متناسب بوده و خواننده را در مجموع، یک گام به درک کامل‌تر موضوع اصلی سوره نزدیک‌تر می‌کنند. یکی از گامهای اساسی برای رسیدن به ساختار سوره، تقسیم آن به اجزاء و بخش‌های معنایی و موضوعی است. بر خلاف روشهای مفسران و قرآن پژوهانی که با استفاده از شواهد معنوی، سوره را به اجزاء و بخش‌هایی تقسیم کرده‌اند، پژوهش حاضر در پی آن است که با استفاده از شواهد و نشانه‌های لفظی به تقسیم‌بندی موضوعات و مضامین سوره‌ها بپردازد. در این راستا با مطالعه چند سوره، برخی شواهد و نشانه‌های لفظی شامل قَسَم، خطابات خداوند به پیامبر اکرمﷺ و سایران و تکلم خداوند و غیره، احصاء شده و قواعدی استخراج گردیده و با استفاده از آنها سورهٔ حجرات بخش‌بندی شده، سپس با استفاده از محتوای بخشهای قریب‌المضمون فصل‌بندی صورت گرفته و در نهایت با استفاده از محتوای فصول، موضوع محوری سوره استخراج شده است. با به‌کارگیری قواعد این روش، در اکثر موارد، تقسیم‌بندی موضوعی سوره بدون توجه به محتوای آیات امکان‌پذیر است.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، انسجام و ساختار سوره، تقسیم‌بندی موضوعی سوره، حجرات، نشانه‌های لفظی، خطاب.

---

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ teimoori@sru.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ aram.mohammadreza@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ dsmrazavi@yahoo.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۱- بیان مسأله

اکثر مفسران متقدم قرآن، در تفسیرخود، به کلمه، فراز و آیه توجه داشتند و ساختار کلی متن (مثلاً کل یک سوره) در نظر آنان مغفول بود و نهایتاً به روابط میان آیات متوالی می‌اندیشیدند. آنان با توجه به تعدد موضوعات در هر سوره (و گاه حتی در یک آیه)، اتصال و ارتباط آیات با یکدیگر را بسیار بعید دانسته و حتی برخی منکر ارتباط و مناسبات آیات بودند.

برخی پژوهشگران و مستشرقان بی‌توجه به اصول اولیهٔ ساختار قرآن کریم، آنرا نامنظم و فاقد انسجام انگاشته‌اند و معتقدند که غالباً ارتباطی میان تعابیر و تسلسل حوادث در قرآن دیده نمی‌شود و تکرارها و تغییر خطاب‌ها را از معایب این کتاب مقدس برشمرده‌اند.

در اوایل قرن بیستم شاهد پیدایش رویکردی خاص تحت عنوان «وحدت سوره» و «سوره به مثابهٔ واحدی پیوسته» هستیم. مفسران و قرآن پژوهانی ظاهر شدند که با پی بردن به اهمیت شبهات عموم خاورشناسان مبنی بر گسستگی و عدم انسجام متن قرآن، سوره‌های قرآن را دارای ساختاری منسجم و منظم و هرکدام را یک کل هماهنگ و متناسب دانسته و با طرح این نظریه، در صدد رفع شبهات برآمده‌اند (توکلی محمدی، پویازاده، ۹۶ ش شماره ۴، ص. ۳۰-۳۳). ایشان برای هر سوره یک مضمون اصلی در نظر گرفته، آنگاه تلاش می‌کنند انسجام سوره را پیرامون این محور اصلی توضیح دهند. این هم‌راستایی اجزای سوره با مقصود نهایی سوره را به «ساختار هندسی سوره‌های قرآن» نیز تعبیر می‌نمایند.

اما این پژوهش ضمن پذیرش انسجام ساختاری سوره‌ها، بدنبال پاسخ این سؤالات است که:

۱. آیا تنوع موضوعات و مضامین، تغییرات ضمایر، تعویض گوینده و تغییر مخاطب، از معایب قرآن کریم به شمار می‌روند، یا از عوامل مؤثر در ایجاد ساختار سوره می‌باشند؟

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۲. آیا با استفاده از این تغییرات، می‌توان اجزاء ساختاری سوره را تعیین کرده، و به منظور استخراج هدف و موضوع محوری سوره مورد استفاده قرار داد؟

۲- مقدمه

سوره‌های قرآن کریم دارای ساختاری منسجم و منظم هستند و هریک از آنها، از موضوعات و مضامین متنوعی تشکیل شده‌اند که به عنوان اجزاء ساختاری، برای تأمین هدف و موضوع محوری سوره، ضروری و متناسب بوده و خواننده را در مجموع، یک گام به درک کامل‌تر موضوع اصلی سوره نزدیک‌تر می‌کنند. یکی از گامهای اساسی برای رسیدن به هدف و موضوع محوری سوره، تقسیم سوره به اجزاء و بخش‌های معنایی و موضوعی است. و بدین منظور برخی مفسران و قرآن‌پژوهان با توجه به شواهد معنایی و محتوایی، و برخی براساس شواهد لفظی، سوره را به اجزاء و بخش‌های معنایی و موضوعی تقسیم نموده‌اند و در این میان افرادی نیز از هر دو روش بهره برده‌اند؛ البته در موارد بسیاری، اجزاء و بخش‌ها و همچنین غرض استخراجی آنها با هم تفاوتهایی دارد که در جای خود قابل بررسی است.

۲-۱. پیشینه پژوهش

با طرح نظریهٔ انسجام و وحدت سوره‌های قرآن در اوایل قرن بیستم، مفسران قرآن کریم با بهره‌مندی از این نظریه در صدد رفع شبهات مطرح شده در این زمینه برآمدند. نخستین کسی که بر نظریه انسجام و وحدت سوره‌های قرآن تأکید کرد، اشرف علی تهانوی (م ۱۹۴۳ م) مفسر مشهور هندی بود (آقایی، انسجام قرآن...، ۲۱۸).

در دوران معاصر تفاسیر و کتب زیادی با این نگاه به سوره‌ها به تفسیر آیات و کشف غرض اصلی سوره‌ها پرداخته‌اند؛ محمد عبده (۱۳۲۳ق/ ۱۹۰۵م) همین نظریه را دنبال کرده و آیات را با توجه به محتوای آنها، به گروه‌هایی که تشکیل واحدهایی منطقی می‌دهند، تقسیم نموده است (ویلانت، رتراود؛ عباسی، مهرداد؛ تابستان ۱۳۸۳ ش، ص ۶).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و سید قطب در فی ظلال القرآن و امین احسن اصلاحی، سوره را با توجه به شواهد معنوی و بدون بیان معیاری خاص، به بخش‌هایی تحت عنوان فصل تقسیم نموده و غرض و هدف محوری سوره را بیان می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، قطب، ۱۳۹۳ ش، اصلاحی، ۱۹۹۹ م). سعید حوّی در الاساس فی التفسیر، سوره‌های طولانی (بقره، آل‌عمران، مائده، انعام، اعراف، انفال، توبه، یونس، نحل) را به چند قسم، هر قسم را به چند مقطع، هر مقطع را به چند مجموعه یا فقره، و هر فقره را به مجموعه‌ای از آیات تقسیم کرده است. ملاک این تقسیم‌بندی‌های حوی، نشانه‌ها و شواهد لفظی و صوری است (حوّی، ۱۴۲۴ ق).

روش تفسیر ساختاری در خصوص تعداد زیادی از سوره‌ها به‌صورت مقالاتی نیز ارائه گردیده است؛ برخی با توجه به پیوستگی لفظی (ارتباط لفظی، اسلوبی و بلاغی) و محتوایی و با عنایت به سیاق آیات، سوره را به بخش‌هایی تقسیم می‌کنند (نساج، ۱۳۹۰ ش) و (آرام، محمدرضا؛ لایقی، فاطمه؛ ۱۳۹۵ ش). برخی به لحاظ آهنگ واژگان پیایانی آیات، به دو بخش تقسیم می‌کند (دهقانی فارسانی، ۱۳۸۷ ش). برخی سوره را با توجه به نظم خاص جنبه نحوی و ساختار جمله‌بندی سوره، و به قول مؤلف نوعی توازن، به دو بخش تقسیم می‌نمایند (ناظمیان، ۱۳۹۲ ش). برخی سوره را با توجه به هندسه معرفتی سوره، به سیاق تقسیم می‌کنند (دیالمه، ۱۳۹۲ ش) و برخی بر مبنای رکوعات قرآنی (زارع زردینی، ۱۳۹۵ ش).

پژوهشگران غربی نیز بحث انسجام و ترکیب متون مقدس را مطرح می‌کنند. اخیراً، پژوهش‌هایی توسط مستنصرمیر، محمد عبدالحلیم، نیل رابینسون، ماتیاس تسانیزر و جدیدتر از همه، سلوی العوی عمدتاً با تمرکز بر نظم، انسجام و ساختار برخی سورهای بلند مدنی انجام یافته است که پیشرفت‌های روش شناختی قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند (مکونـد، محمـود؛ شاکر، محمدکاظم، ۹).

۱. رابینسون در مقالهٔ "دستان باز؛ قرائتی دوباره از سوره مائده"، به بخش‌بندی سوره و تعیین ارتباطات میان بخش‌ها پرداخته، لیکن پژوهش وی فاقد روش است (رابینسون، نیل؛ ترجمه شاکر، محمدکاظم).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۲. سلوی العوی، روشمند عمل نموده و سوره را به قطعاتی تحت عنوان «پـاره‌گفـت» تقسیم می‌کند. مبنای این تقسیم بندی، تغییر اساسی در موضوع هر قطعه نسبت به دیگـری است. این تغییرات را غالباً نشانگرهای کلامی و تغییر ضمایر همراهی می‌کنند.

از نظر وی «نشانگر تغییر عمدهٔ موضـوع»، ترکیبـات دسـتوری هسـتند کـه بـه منزلـهٔ نشانگرهای بخش، آغاز هر قطعه را نشان می‌دهند. او سپس با مطالعهٔ پیـام هـای قطعـات سوره، بدون الزام به اینکه تنها یک محور موضوعی برای سوره مشخص کند، پیام‌های کلّی سوره را استخراج می‌کند (EL-AWA ، ۲۰۱۷).

۲-۲. روش‌های بخش‌بندی پژوهشگران و مفسران

رویکرد عموم مفسران معتقد به انسجام سور، تحلیلی – ترکیبی است؛ یعنی ابتدا سـوره را به چندین سیاق (فصل) تقسیم می‌کنند، آن گاه تلاش می‌کنند مناسبت میان سیاق‌ها را بیابند.

البته اکثر مفسران و قرآن پژوهان در پژوهش‌های خود (بجز تعـدادی معـدود) روشـی نظام‌مند و مبتنی بر نظریه‌ای مشخص ارائه نمی‌دهند و رویکردی نـاقص بـه مسـأله دارد و معیارهای ارائه شده توسط ایشان بی‌آنکه به خوبی تبیین شوند، غالباً بیش از اندازه ذهنـی و انتزاعی هستند. همین مسأله، بخش‌بندی و تقسیم سوره را به محلی برای منازعه و بحث میان ایشان تبدیل کرده و نتایجی متفاوت به بار آورده است. این مسأله، به ویژه آنگاه کـه محقـق به صورت عملی در صدد اثبات انسجام متن قرآن برمی‌آید، نمود بارزتری می‌یابد (مکوند، محمود؛ شاکر، محمدکاظم، ۱۴) و باب اختلافات گشوده می‌شود.

در تمامی مقالات ناظر بر تفسیر ساختاری، سیاقها براساس شواهد معنایی تعیین شده و هیچکدام معیار قابل ملاحظه‌ای برای تقسیم‌بندی ارائه نمی‌دهند. پژوهشـگرانی نیـز کـه از شواهد لفظی کمک گرفته‌اند، قواعدی بیان نکرده‌اند و یا قواعد ارائه شده توسط آنها مـوارد نقض زیادی دارد. از طرفی برخی ابتدا سیاق‌ها و پاره‌گفـت‌هـا را تعیـین نمـوده و سـپس مجدداً برای تفسیر، آنها را به بخش‌های کوچکتر تقسیم نموده‌انـد (از کـل بـه جـزء عمـل

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

کرده‌اند)، و از طرف دیگر، بخش‌های داخل سیاق مورد نظر آنها در موارد زیادی، با استفاده از روش پژوهش حاضر، قابل تقسیم به بخش‌های کوچکتر می‌باشند.

۳. تعاریف، مبانی، روش و قواعد پیشنهادی پژوهش حاضر:

این پژوهش، با توجه به انسجام ساختاری سوره‌های قرآن کریم – با عنایت به روش کتب تفسیری معتبر در تقسیم‌بندی سوره به مجموعه آیات مختلف تحت عنوان سیاق و ...، و تعیین موضوع محوری سوره با توجه به معانی محوری این سیاقها – روش جدیدی جهت تقسیم‌بندی و تعیین اجزاء ساختاری سوره – که هریک بیانگر موضوع و مضمونی متفاوت در یک سوره هستند – ارائه نموده است. ابتدا سوره را در اکثر موارد بدون توجه به محتوای آیات و صرفاً بر اساس نشانه‌های لفظی، به بخشهای موضوعی کوچک تقسیم می‌نماید و در ادامه با استفاده از این بخش‌ها و با توجه به شواهد معنایی، سوره را فصل‌بندی (سیاق‌بندی) نموده و موضوع محوری سوره استخراج می‌نماید. در پایان، این روش به صورت عملی در خصوص سوره حجرات پیاده خواهد شد.

۳-۱. تعاریف پایه

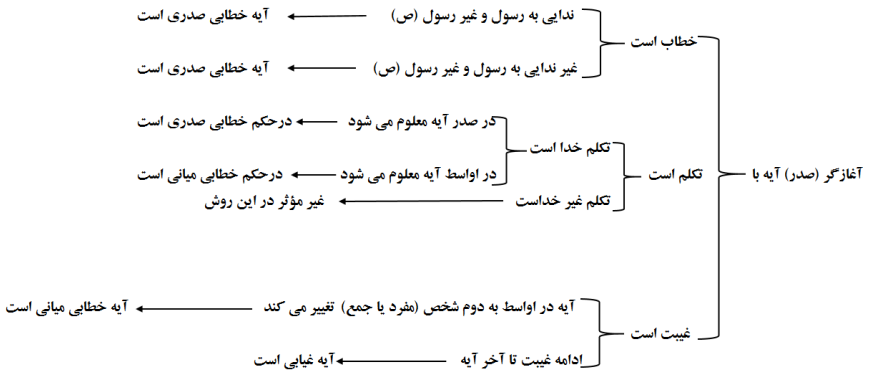
شواهد لفظی مورد نظر این پژوهش عبارتند از : قَسَم، لفظ «اذ»، خطابات خداوند نسبت به پیامبر اکرمﷺ و یا غیر ایشان، یا تکلم (وحده یا مع‌الغیر) خداوند است، یعنی گویندهٔ سخن به عنوان خطابگر و متکلم، خداست.

وجه غالب شواهد لفظی، خطابات قرآن می‌باشد. علیرغم اینکه بخش نسبتاً زیادی از قرآن را قصص تشکیل می‌دهند و گرایش غالب در متون روائی سوم شخص است، بسامد خطاب در قرآن در حدی است که قرآن را از صورت یک متن روائی خارج کرده و به صورت یک متن خطابی درآورده است (طیب، ۵۰). منظور از خطاب در این پژوهش، خطاب (وحی) به مخاطب کلی قرآن (یعنی حضرت ختمی مرتبتﷺ) نیست، بلکه منظور

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

این است که، روی سخن خداوند متعال در هرآیه با کیست و چه کسی مورد خطـاب قـرار گرفته است؟ به عبارتی دیگر، سخن گفتن به شکل مواجهه و روبرو را خطـاب مـی‌نـامیم. خطاب مورد نظر، شامل مواردی همچون خطاب به رسول اکرمﷺ، سـایر انبیـاء و رسـل، انسانها (مؤمن، کافر، ناس و ...)، و همچنین سایر موجودات توسط خداوند متعـال اسـت و شامل خطاب غیرخدا به دیگران (خدا و غیر خدا) نمی‌شود (تیمـوری، سـاختار تصـویری سوره‌های قرآن کریم، ۷۸).

به‌طور کلی اگر:



۱. خطاب‌های قرآن از لحاظ ساختار و نوع جمله، بیشتر در قالب انشاء طلبـی، بـویژه افعالِ امر، نهی، شرط، تعجب، استفهام، ندا، تمنّی، ترجّی و همچنین خبر، بیان شده اسـت، و منظور از مخاطب در این نوشتار، مخاطبِ حضوری است.

۲. در آیه‌ای که خداوند به صورت حضوری، رسول اکرمﷺ یـا غیـر ایشـان را مـورد خطاب قرار داده است:

الف- اگر مخاطب (متکلم بودن خدا) در صدرِ آیه، قابل تشخیص باشـد، یـا خداونـد در صدر آیه، متکلم باشد، آیه را خطابیِ صدری (یا به اختصار خطابی) می‌نامیم. به عنوان مثال:

«وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِن أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (المائده، ۲۷)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

«إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحًا مُّبِینًا» (الفتح، ۱)

ب- اگر مخاطب (متکلم بودن خدا) در کلمات بعدی قابل تشخیص باشد، آیه را خطابِ میانی می‌نامیم. به عنوان مثال:

«إِلاَّ الَّذِینَ تَابُواْ مِن قَبْلِ أَن تَقْدِرُواْ عَلَیْهِمْ فَاعْلَمُواْ أَنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ» (المائده، ۳۴)

«وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِکَ فَأَمْلَیْتُ لِلَّذِینَ کَفَرُواْ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَکَیْفَ کَانَ عِقَابِ» (الرعد، ۳۲)

ج- اگر آیه‌ای فاقد مخاطبِ حضوری باشد، آیهٔ غیابی (غیرخطابی) نامیده می‌شود. به عنوان مثال: «اللّهُ یَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ کُلُّ أُنثَی وَمَا تَغِیضُ الأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَکُلُّ شَیْءٍ عِندَهُ بِمِقْدَارٍ» (الرعد، ۸)

۳. سوره به «دسته‌آیات» مختلفی از جمله فصل (سیاق یا رکوع)، بخش، زیربخش و بند قابل تقسیم است؛ و هریک از این قسمتها شامل یک یا چند آیه هستند.

۴. هر دسته از آیات متوالیِ خطابی صدری، خطابِ میانی یا غیابی (غیرخطابی)، «بند» نامیده می‌شوند.

۵. هر بخش، موضوعی خاص را بیان می‌کند و موضوع آن در راستای تأمین موضوعِ اصلی سوره است.

۶. هربخش می‌تواند دارای یک یا چند زیربخش باشد، که محتوی موضوعات متنوع و کوچکتر در راستای تبیین موضوع بخش جاری است.

۷. بسته به اهمیت موضوع و حتی برخی مسائل بلاغی، هر یک از بندهای هر بخش، ممکن است حذف شوند؛ در برخی موارد، بخش یا زیربخش فقط شامل یک «بند» است[۱].

۸. بخش (پاراگراف)، به لحاظ ساختاری، ساختمان نسبتاً ساده‌ای دارد و از سه قسمت اصلی تشکیل شده است:

---

۱. تنها دو سوره از سوره‌های قرآن کریم از یک بند تشکیل می‌شوند، سورهٔ بینه شامل ۸ آیهٔ غیابی و سورهٔ مسد با ۵ آیه غیابی.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۱) جملهٔ موضوع (مقدمه)

۲) جملات پشتیبان

۳) جملهٔ پایانی (نتیجه‌گیری)

آیات قرآن نیز اکثراً دارای چنین روندی هستند: آیات خطابیِ صدری، قسمت اول پاراگراف هستند و «بند خطابی» را تشکیل داده و وظیفهٔ طرح موضوع را به عهده دارند (رتبه یک)، آیات خطابیِ میانی، قسمت دوم و «بند میانی» را تشکیل می‌دهند و وظیفهٔ بیان مثال، توضیح، تشریح یا تخصیص موضوع را به عهده دارند (رتبه دو) و آیات غیرخطابی، قسمت سوم و «بند غیابی» را تشکیل می‌دهند و وظیفهٔ تکمیل‌نمودن توضیحات موضوع و نتیجه‌گیری را به عهده دارند (رتبه سه).

۹. آیهٔ اولِ بخش می‌تواند عبارت باشد از: الف- آیه‌ای که در صدر آنها حضرت رسول اکرم ﷺ یا غیر ایشان با انشاءِ طلبی (ندا، افعال امر، نهی، استفهام) یا خبری، مورد خطاب واقع می‌شوند ب- آیهٔ قسم خداوند ج- آیه‌ای که خداوند در آن متکلم است (الفتح، آیهٔ ۱) د- آیهٔ اول هر سوره ه- آیه‌ای که با لفظ «واذ» شروع شده باشد.

۱۰. آیات ندایی همیشه آغازگر بخش هستند[۱]؛ مگر آیات ندایِ متوالی با مخاطب یکسان، که در این‌صورت، آیه ندایِ دوم، بیانگر موضوعی فرعی از موضوع اصلی و یا تخصیص موضوعی است که در آیهٔ ندایی اول بیان شده است (الحجرات، ۲).

۱۱. در آیات خطابیِ میانی، مخاطب حضوری، بعد از فراز ابتدایی آیه که غیابی است، شناسایی می‌شود.

۱۲. بخشی که فاقد بند خطابیِ صدری باشد (با بند خطابیِ میانی آغاز شود)، زیربخش نامیده می‌شود (المائده، ۳۸ و ۳۹) و (المائده، ۱۰۸ و ۱۰۹).

۱۳. آیات مشتمل بر جملهٔ معترضه، داستان (حکایت)، مَثَل (المدثر، ۳۱)، موضوعِ کلی،

---

۱. معمول‌ترین خطاب در قرآن کریم، خطاب به مؤمنان است که با تعبیر (یا ایها الذین آمنوا) شروع می‌شود. این تعبیر در قرآن کریم هشتاد و هفت مورد ذکر شده و منحصراً در آیاتی است که در مدینه نازل شده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

دعا و گفتگوی غیرخدا با غیرخدا (المدثر، آیات ۴۲ تا ۴۷) در روند تعیین بخش‌ها و ...، فاقد تأثیر هستند، یعنی بدون در نظر گرفتن آنها، روند تقسیم‌بندی‌ها اجرا می‌شود؛ البته در نهایت جزء بخش جاری محسوب می‌شوند و توضیح، تکمله، مثال، نتیجه‌گیری و ... برای بخش هستند و تشخیص آنها اغلب با توجه به محتوای آنها صورت می‌گیرد.

۱۴. لفظ «إذ» و «و إذ» در صورتی که به معنای "فعل" (بیادآور، یاد کن) روند، در ابتدای آیات، یادآور مطلب و موضوعی خاص بوده و ابتدای بخش محسوب می‌شوند (الاحزاب، ۳۷) و اغلب بیانگر آغاز حکایت و داستانی هستند.

۱۵. استثناءات:

۱- آیاتی که فقط از حروف مقطعه تشکیل شده‌اند، در تقسیم‌بندی لحاظ نمی‌شوند[۱] و جزئی از بخش اول سوره محسوب می‌شوند (الدخان، ۱).

۲- در آیات اولِ سوره‌هایی که از حروف مقطعه به‌علاوهٔ فرازی دیگر تشکیل شده‌اند، نوع آیه بدون در نظرگرفتنِ حروف مقطعه، تعیین می‌شود (القلم، ۱).

۳- آیه‌ای که به وضوح و از ظاهر آن مشخص است که ادامهٔ آیهٔ قبل است، از نظر خطابی یا غیرخطابی بودن، در حکم آیهٔ قبل است (مائده ۳۴ در حکم ۳۳) (تیموری، محمد؛ درزی، قاسم؛ برهانی، مصطفی؛ پایان‌نامه نقش تصویربرداری در کشف ساختار سوره‌های قرآن).

۳-۲. روش انجام پژوهش

«سوره» را می‌توان با توجه به شواهد لفظی از جمله نوع خطابِ آیات به دسته‌آیات (اجزائی) تقسیم کرد که هرکدام بیانگر موضوع خاصی هستند. محوری‌ترین این اجزاء، پاراگراف یا «بخش» است که دارای سه قسمت می‌باشد و این قسمتها به ترتیب خطابیِ صدری، خطابیِ میانی و غیرخطابی بوده و هر قسمت محتوی یک آیه یا بیشتر است و هر قسمت را یک «بند» می‌نامیم. در بندهای اول و دومِ بخش، مخاطب حضوریِ مشخصی

۱. اولاً بدلیل واقع شدن در ابتدای سوره، قطعاً آغازگر بخش هستند، ثانیاً شناخت مشخصی از آنها در دست نیست.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

وجود دارد و قسمت سوم فاقد مخاطب حضوری است. در آیات اول هر بخش موضوعی مطرح می‌شود و در آیات بعد توضیحات و گاهی موضوعات ریزتر در راستای آن موضوع ارائه می‌گردد.

این روش برخلاف روشهای دیگر، غالباً بدون توجه به محتوای آیات و صرفاً با استفاده از نشانه‌های لفظی به تقسیم‌بندی موضوعات و مضامین سوره می‌پردازد؛ هر خطاب آغازگر بخش و موضوعی خاص است و تا هنگامی که مخاطب تغییر ننموده، بخش ادامه دارد و موضوع تغییر اساسی نخواهد نمود و آیات غیرخطابیِ بعدی نیز، تا وقتی که خطاب جدیدی صورت نگرفته، تکمیل کننده همان موضوع است و تغییر خطاب و مخاطب جدید، نویدبخش شروع بخشی جدید و موضوعی متفاوت است (بدیهی است که در پی این بخش‌بندی، برای تشخیص بهتر روابط بخشها و بررسی احتمال تداخل معنایی بخشهای متوالی، از توجه به شواهد معنایی نیز نباید غافل شد).

۳-۳. قواعد پیشنهادی

با در نظر داشتن موارد فوق، و این نکته که وجه تمایز این پژوهش با سایر تفاسیر و پژوهش‌ها، در تقسیم‌بندی سوره به «بخش» می‌باشد (و نه سیاق و یا فصول)، قواعدی برای بخش‌بندی پیشنهاد می‌شود (نکـ : تیموری، ساختار تصویری سوره‌های قرآن).

قاعدهٔ ۱: هر دسته‌آیاتی که با آیه‌ای خطابی (حضوری) آغاز و تا آیهٔ خطابی غیرمتوالی بعدی ادامه می‌یابد، «بخش» (پارگراف) نامیده می‌شود.

قاعدهٔ ۲: مخاطب آیه اول بخش، رسول اکرمﷺ یا دیگران هستند و هر بخش، موضوع خاصی را بیان می‌کند و با تغییر مخاطب نیز، بخشی جدید و درنتیجه موضوعی جدید آغاز می‌شود. مگر اینکه تغییر مخاطب در دو خطاب صدری متوالی باشد، که در این صورت، بند دوم و تکمیل کننده بند اول بخش محسوب می‌شود.

قاعدهٔ ۳: آیات ندایی همیشه آغازگر بخش هستند؛ مگر آیات ندایِ متوالی با مخاطب

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

یکسان، که در این صورت، بند دوم و تکمیل کننده بند اول بخش محسوب می‌شود.

قاعدهٔ ۴: هر «بخش» حداکثر دارای سه قسمت است که به ترتیب عبارتند از: خطابیِ صدری، خطابیِ میانی و غیابی (غیر خطابی)، و هر قسمت را «بند» می‌نامیم.

قاعدهٔ ۵: هر «بند» شامل یک یا چند آیهٔ خطابیِ صدری، خطابیِ میانی یا غیابیِ مجاور است.

قاعدهٔ ۶: تغییرِ ترتیبِ بندها (تغییرِ رتبه) موجب آغاز بخشی جدید خواهد شد.

قاعدهٔ ۷: آیه خطابی صدری بعد از آیه ندایی، حتی با مخاطب یکسان، موجب تغییر موضوع و بخش می‌شود.

قاعدهٔ ۸: آیه‌ای که به وضوح و از ظاهر آن مشخص است که ادامهٔ آیهٔ قبل است، از نظر خطابی یا غیرخطابی بودن، در حکم آیهٔ قبل و جزء بخش جاری محسوب می‌شود.

۳-٤. سوره‌های مورد پژوهش

با توجه به تعدد ساختار سوره‌های قرآن کریم، بدیهی است این روش در مورد تمامی سوره‌های قرآن‌کریم قابل تعمیم نیست لیکن برای این‌که بتوان توزیع مناسبی از سوره‌های قرآن را در این پژوهش مورد بررسی قرار داد، براساس ترتیب نزول، چند سوره از سوره‌های ابتدای رسالت (قلم و مدثر) و چند سوره از سوره‌های میانی (دخان، جاثیه، ملک و احزاب) و چند سوره از سوره‌هایی که در اواخر رسالت نازل شده‌اند (رعد، حجرات، فتح و مائده) مورد بررسی قرار گرفته است (رامیار، ۶۸۶) و نتایج حاصله در مورد سوره حجرات ارائه خواهد شد.

۳-۵. مراحل اجراییِ تقسیم‌بندی موضوعی (پاراگراف‌بندی) سوره حجرات

مراحل اجرایی این روش در خصوص سورهٔ حجرات، به صورت مشروح در جدول ۱ ارائه گردیده است. توضیح اینکه:

الف- محتوای ستونهای جدول مراحل بخش‌بندی سوره به شرح زیر است:

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

ستون ۱: شماره آیات

ستون ۲: متن آیات سوره

ستون ۳: موضوع و پیام آیات

ستون ۴: نوع خطاب از نظر صدری، میانی یا غیرخطابی بودن

ستون ۵: نوع جمله از نظر نحوی

ستون ۶: تعیین مخاطب (خاص یا عام)

ستون ۷: تعیین «بند»ها براساس قواعد پژوهش حاضر

ستون ۸: تعیین «بخش»ها با استفاده از روش این پژوهش

ستونهای ۹ تا ۱۱: بخش‌بندی سایر پژوهشگران قرآنی و مفسران

ستونهای ۱۲ و ۱۳: تعیین بخش‌ها با استفاده از روش این پژوهش و بیان موضوعات اصلی هر بخش

ستونهای ۱۴ تا ۱۸: رکوعات و دفعات نزول و استخراج پیام هر فصل با استفاده از موضوع و محتوای بخش‌ها و جمع‌بندی پیامهای فصول و تعیین موضوع محوری سوره.

ب- ضروری است در ابتدای امر، با در نظر گرفتن نکات زیر ستونهای ۲ تا ۶ تکمیل شوند:

۱. حتماً خداوند متعال گویندهٔ آیه باشد؛ بعنوان خطاب‌گر یا متکلم (وحده یا مع‌الغیر).

۲. تعیین نوع هریک از آیات، از نظر خطابی (حضوری) بودن، غیابی (غیرحضوری) بودن، خطاب میانی (از غیابی به خطابی) بودن یا تکلم خدا و قسم.

۳. تعیین مخاطبِ اصلیِ تک‌تکِ آیات؛ مبنی بر اینکه مخاطب، رسول اکرمﷺ هستند یا غیر ایشان.

۴. مشخص نمودنِ آیات خاص؛ آیاتِ محتویِ جملات معترضه، قوانین و ضوابط کلی، دعا، مثل، داستان (حکایت) و گفتگوی غیرخدا با غیرخدا، با استفاده از محتوای آیات و نشانه‌های معنوی.

ج- لازم است در ادامه، محدوده بندها و بخش‌ها باتوجه به قواعد پیشنهادی مشخص گردد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

د- ستونهای ۹ تا ۱۲ از کتب مرجع استخراج می‌گردد.

۳-۵-۱. تعیین بندهای سوره حجرات

با استفاده از تشابه نوع خطاب در آیات، آنها را دسته‌بندی می‌نماییم:

آیات ۱و ۲، آیهٔ ۳، آیات ۴ و ۵، آیات ۶ و ۷، آیهٔ ۸، آیات ۹ و ۱۰، آیـات ۱۱ و ۱۲، آیهٔ ۱۳، آیهٔ ۱۴، آیهٔ ۱۵، آیهٔ ۱۶، آیهٔ ۱۷ و آیهٔ ۱۸ هرکدام یک «بند» را تشکیل می‌دهنـد که در جدول بوضوح قابل مشاهده هستند.

۳-۵-۲. تعیین محدوده بخش‌های سوره حجرات

بخش ۱: آیه اول خطابی (ندایی) است و مخاطب آیه، مؤمنین هستند. آیهٔ دوم نیز دقیقاً به همین منوال، خطابی (ندایی) است و مخاطب مؤمنین هسـتند. در ایـن دو آیـه بـه دلیـل شباهت در ندایی بودن و یکسان بودن مخاطب، تغییری در بخش ایجاد نمی‌شود و بنـد اول بخش را تشکیل می‌دهند. آیهٔ ۳ در واقع توضیح آیهٔ قبل است و بند «یک آیه‌ای» می‌باشد. آیهٔ ۴، خطابیِ میانی به رسول است لذا با تغییر از آیهٔ غیابی به خطابیِ میانی و در نتیجه بـا تغییر ترتیب مواجهیم، لذا بخش ۱ با سه آیه به پایان رسید.

بخش ۲: آیهٔ ۴، خطابیِ میانی به رسول است لذا این بند آغازگر بخش جدید است. آیهٔ ۶ خطابی صدری است و رتبه بهم می‌خورد و آغازگر بخش جدید است، لذا بخش ۲ پایان یافته است.

بخش ۳: آیات ۶ و ۷ تشکیل یک بند خطابیِ صدری را می‌دهند، لـذا آغـازگر بخـش هستند و آیهٔ ۸ غیابی و پایان دهندهٔ بخش است.

بخش ۴: آیهٔ نهم خطابیِ میانی به غیر رسول است، آیهٔ ۱۰ نیز همینطور. و آیـهٔ ۱۱ خطـابی است و رتبه به هم می‌خورد، پس بخش ۴ با دو آیهٔ ۹ و ۱۰، کلاً با یک بند، خاتمه می‌یابد.

بخش ۵: آیات ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ خطابی (ندایی) به غیر رسول است لیکن مخاطب آیات ۱۱ و ۱۲ مؤمنین هستند ولی مخاطب آیهٔ ۱۳ گروه مردم (ناس) است، لذا آیـات ۱۱ و ۱۲

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

بخش ۵ را تشکیل می‌دهند.

بخش ۶: آیهٔ ۱۳ ندایی است و آیهٔ ۱۴ خطابِ میانی به رسول است. پس رتبه به هم می‌خورد و بخش جدید ۷ آغاز می‌شود؛ لذا بخش ۶ از یک آیه تشکیل شده است.

بخش ۷: آیهٔ ۱۴ خطابِ میانی به رسول است و آغازگر بخش جدید و آیهٔ ۱۵ غیابی و پایان‌دهندهٔ بخش است زیرا آیهٔ ۱۶ خطابی است و رتبه به هم می‌خورد.

بخش ۸: آیهٔ ۱۶ خطابِ صدری و آغازگر بخش است و آیهٔ ۱۷ خطابِ میانی و آیهٔ ۱۸ غیابی و پایان‌دهندهٔ بخش است.

۳-۵-۳. موضوعات اصلی بخش‌ها (و زیربخش‌ها)

بخش ۱ (آیات ۱ تا ۳): موضوع آیهٔ اول، لزوم تبعیت محض از الله تعالی و رسولش و امر به تقوا است. موضوع آیهٔ دوم نیز توضیح و بیان بخشی از موضوع اصلی بخش، و منع از بالاتر بردن صدا از صدای حضرت پیامبر ﷺ است. آیهٔ بعدی غیر خطابی است و مضمون آن، نشانه تقوا بودن رعایت ادب در پیشگاه نبی اکرم ﷺ است. موضوع کل بخش لزوم تبعیت محض از الله تعالی و رسولش و امر به تقوا است.

بخش ۲ (آیات ۴ و ۵): موضوع این بخش در خصوص رفتار مؤمنین با رسول اکرم ﷺ است و لزوم رعایت ادب و متانت و صبوری در مواجهه و خطاب رسول الله ﷺ است.

بخش ۳ (آیات ۶ تا ۸): موضوع این بخش، حفظ حرمت رسول اکرم ﷺ توسط مؤمنین و لزوم تحقیق در خصوص خبر فاسق و ارزش ایمان و اکراه کفر و فسق و عصیان است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

جدول ۱: مراحل اجرایی روش پژوهش در خصوص سورهٔ حجرات

شماره آیات	سوره حجرات: ۴۹ - جزء: ۲۶	موضوع آیات	نوع خطاب	نوع جمله	مخاطب خاص (عام)	پژوهش حاضر - بند	پژوهش حاضر - بخش	دیدگان - جزء (بخش)	حوی - بخش	غایه گر - بخش	موضوعات اصلی بخش	پژوهش حاضر - پیام و موضوع محوری بخش	رتوضات	دعامات نزول	اعتران - سیاق	پژوهش حاضر - پیام و موضوع محوری فصل	پژوهش حاضر - موضوع محوری سوره
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)																
۱	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱)	صدری	ندا- نهی	مؤمنین	۱	۱	۱	۱	۱	۱	لزوم تبعیت محض از الله و رسولش و رعایت ادب در پیشگاه	لزوم تبعیت محض از الله تعالی و صبوری در مواجهه با	۱		۱	لزوم تبعیت از خدا و رسولش و رعایت ادب در پیشگاه رسول الله ص و تقوا، تنها سبب برتری و کرامت نزد خدا	منشور اخلاقی مؤمنین
۲	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ	صدری	ندا- نهی	مؤمنین					۲	۲			۲				
۳	إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (۳)	غیابی	خبر	عام	۲						توصیف رعایت کنندگان ادب در پیشگاه رسول الله ص به	لزوم رعایت ادب و سکنات و صبوری در مواجهه و خطاب رسول الله ص	۳				
۴	إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۴)	میانی	خبر	رسول	۳		۲				عدم رعایت ادب در خطاب به رسول الله ص نشانه بی عقلی		۴				
۵	وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۵)	میانی	خبر	رسول							لزوم رعایت متانت و صبوری در مواجهه با رسول الله ص		۵				
۶	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (۶)	صدری	ندا-امر	مؤمنین	۴	۳	۲	۳	۳	۳	لزوم تحقیق در خصوص خبر فاسق	لزوم تحقیق در خصوص خبر فاسق و کذا در اهم فاهم و مؤمنین قاهم هستند	۶				
۷	وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ	صدری	امر	مؤمنین							تزیین ایمان در قلوب مؤمنین و اکراه کفر و فسق و عصیان	لزوم تحقیق در خصوص خبر فاسق و ارزش ایمان مؤمنین و اکراه کفر و فسق و عصیان	۷				
۸	فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۸)	غیابی	خبر	عام	۵						این ها فضل و نعمت الهی هستند		۸				
۹	وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ	میانی	امر	مؤمنین	۶	۴				۴	لزوم اصلاح بین دو طایفه از مسلمین در حال جنگ	اصلاح بین دو طائفه از مسلمین در حال جنگ	۹				
۱۰	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱۰)	میانی	امر	مؤمنین							اخوت مومنین و لزوم اصلاح بین آنها	اخوت مومنین و لزوم اصلاح بین آنها و لزوم	۱۰				
۱۱	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا	صدری	نهی	مؤمنین	۷	۵	۳	۴	۵		پرهیز مؤمنین از تمسخر و تحقیر و نسبت دادن القاب بد	تحقیر مؤمنین از تمسخر و نسبت دادن القاب بد به یکدیگر و لزوم پرهیز از سوء ظن و تجسس و	۱۱		۲		
۱۲	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ	صدری	امر(نوعی نهی است)	مؤمنین					۶		لزوم پرهیز از سوء ظن و تجسس و غیبت مؤمنین	نسبت به هم و ضرر داشتن از سوء ظن و قبیحت	۱۲				
۱۳	يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ	صدری	امر	ناس	۸			۶			خلق انسان از مرد و زنی و تقوا ملاک سنجش آنها در نزد	سخن آنها در نزد الله	۱۳	تقوا تنها ملاک برتری			
۱۴	قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ	میانی	امر	رسول	۹	۷	۴	۵			فرق میان ایمان و اسلام و ضرورت اطاعت از الله و	ضرورت اطاعت از الله و رسولش و صفات ویژه	۱۴				توصیف ایمان واقعی و علم گسترده الهی
۱۵	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ	غیابی	خبر	عام	۱۰						صفات ویژه مؤمنین در عدم تردید ایمان به الله و رسولش	صفات ویژه مؤمنین در عدم تردید ایمان به الله و رسولش	۱۵				
۱۶	قُلْ أَتُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۶)	صدری	امر	رسول	۱۱	۸			۷		علم گسترده الهی بر آسمانها و زمین	علم گسترده الهی بر آسمانها و زمین و کمتر و کرکتر انسان ها	۱۶				
۱۷	يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۷)	میانی	امر	رسول	۱۲						برحذر داشتن اعراب از منت گذاشتن بر رسول اکرم ص در	برحذر داشتن اعراب از منت گذاشتن بر رسول اکرم ص در اسلام آوردنشان	۱۷				
۱۸	إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸)	غیابی	خبر	عام	۱۳						علم گسترده الهی بر نهان آسمانها و زمین		۱۸				

بخش ۴ (آیات ۹ و ۱۰): موضوع این بخش با موضوع بخش قبل متفاوت و درباره اخوت مؤمنین و لزوم اصلاح بین آنها و بین دو طایفه از مسلمین در حال جنگ است.

بخش ۵ (آیات ۱۱ و ۱۲): موضوع این بخش، در خصوص پرهیز مؤمنین از تمسخر و نسبت دادن القاب بد به یکدیگر و پرهیز از سوء ظن و تجسس و غیبت همدیگر است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

بخش ۶ (آیهٔ ۱۳): موضوع این بخش، آفرینش انسان از مردی و زنی است و تقوا تنها ملاک سنجش آنها در نزد الله تعالی است.

بخش ۷ (آیات۱۴ و ۱۵): موضوع این بخش، بیان فرق ایمان و اسلام و وصف مؤمنین است.

بخش ۸ (آیات۱۶ تا ۱۸): موضوع این بخش، علم گسترده الهی بر آسمانها و زمین و گفتار و کردار انسان‌ها است.

ملاحظه می‌شود که با وجود تقسیم‌بندی سوره بدون توجه به محتوای آیات، سوره به موضوعاتی مجزا تفکیک شده است.

۳-۵-٤. استخراج هدف و موضوع محوری سوره حجرات

فصول موضوعی و در نهایت تعیین موضوع محوری سوره را می‌توان با اجرای مراحل زیر استخراج نمود.

۱- تعیین فصل‌های سوره: بخش‌ها براساس موضوع و محتوایشان دسته‌بندی و فصل‌بندی می‌شوند:

فصل ۱ شامل بخش‌های ۱ تا ۶ است.

فصل ۲ شامل بخش‌های ۷ و ۸ است.

۲- استخراج پیام فصل‌ها: با استخراج و جمع‌بندی پیام بخش‌ها، پیام فصل‌ها بدست می‌آید:

فصل ۱: لزوم تبعیت از خدا و رسولش و رعایت ادب در پیشگاه ایشان و لزوم رفتار شایسته مؤمنین نسبت به هم و تقوا تنها ملاک سنجش.

فصل ۲: توصیف ایمان واقعی و علم گسترده الهی

۳- تعیین هدف و موضوع محوری سوره: با جمع‌بندی پیام فصل‌ها، هدف و موضوع محوری سوره مشخص می‌گردد که عبارت است از:

« منظومه اخلاقی مؤمنین در ارتباط با الله تعالی، رسولش و سایر مؤمنین »

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۳-۶. بررسی و بحث و مقایسهٔ خروجی پژوهش حاضر با برخی آثار

جهت ارزیابی روش پیشنهادی، با توجه به شیوه‌های تقسیم سوره‌ها به بخشهای مختلف توسط مفسران و قرآن‌پژوهان، خروجی این نوشتار با آثار برخی از آنان مقایسه شده است که روش تقسیم‌بندی هریک از آنان در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: شیوه‌های تقسیم سوره‌ها به بخشهای مختلف توسط مفسران و قرآن‌پژوهان

نام مفسر یا پژوهشگر	نام اثر	نام تقسیمات کلی سوره	شواهد مورد استفاده برای تقسیم بندی	نام تقسیمات جزئی تر سوره	شواهد مورد استفاده برای تقسیم بندی	معتقد به وجود محور موضوعی هر سوره	پیوندها و ارتباط معنایی را
علامه محمد حسین طباطبایی	المیزان فی تفسیر القرآن	سیاق	معنوی	-	فاقد اجزاء	تحت عنوان غرض می باشد	تبیین می نماید
مرحوم سید قطب	فی ظلال القرآن	شوط	معنوی	در مواردی یک مرحله ای است و در مواردی بیش از	معنوی	تحت عنوان «ظل» یا «محور» می باشد	تبیین می نماید
مرحوم سعید حوی	الاساس فی التفسیر	قسم، مقطع	لفظی؛ و در نبود آنها از علائم معنوی	فقره، مجموعه	لفظی: «یا ایها» و «قل» و در نبود آنها از علائم معنوی	می باشد	تبیین می نماید
امین احسن اصلاحی	تفسیر تدبر قرآن	رکوعات و بخش	معنوی	فصل: جزئی تر از آن بخش	معنوی (تغییر عمدهٔ موضوعی)	می باشد	تبیین می نماید
محمد خامه گر	مجموعه کامل ساختار سوره های قرآن کریم	گفتار	معنوی	مطلب (وظیفه و ...)	معنوی	می باشد	تبیین نمی نماید
نیل رابینسون	مقالهٔ دستان باز؛ قرائتی دوباره از سوره مائده	بخش	دلایل لفظی و معنوی؛ مانند تکرار و ...	توجهی ندارد	فاقد اجزاء	مطلبی بیان ننموده	تبیین می نماید
محمد سلوی العوی	کتاب روابط متنی در قرآن؛ مناسبت، انسجام و ساختار، و	پاره گفت	لفظی و معنوی: «یا ایها»	زیربخش	لفظی و معنوی: یا، واو، لقد، و اذ، انا	هر سوره تنها یک محور موضوعی ندارد	تبیین می نماید
پژوهش حاضر	نقش شواهد لفظی در بخش بندی موضوعی سوره	فصل (مقاله)	معنوی	بخش (پاراگراف)	لفظی	می باشد	تبیین می نماید

در این جدول ملاحظه می‌شود که مفسران و پژوهشگران، در تفاسیر و پژوهش‌های مورد بحث، از شواهد معنوی و تغییرات موضوعی و برخی از آنان از شواهد لفظی برای تقسیم‌بندی آیات استفاده می‌کنند.

سعید حوی در تقسیم‌بندی سوره‌ها از معیارهای معنوی و لفظی هر دو بهره جسته است؛ البته متذکر شده است که در مواردی که نشانه‌های لفظی در اختیار نیست، از علائم معنوی سود جسته است. تقسیم‌بندی وی دو مرحله‌ای است و علاوه بر تقسیم‌بندی کلی، به مرحلهٔ تقسیمات خردتر تحت عنوان قسم، مقطع، فقره و مجموعه نیز وارد می‌شود.

مثلا در تقسیم‌بندی سورهٔ احزاب، آیات سوره را به ده مقطع تقسیم کرده و ملاکش عبارت «یا ایها» در آغاز هر مقطع بوده است و مقطع دوم سورهٔ «ص» به سه مجموعه بر مبنای تکرار لفظ «قل» در ابتدای آیات تقسیم کرده است. وی نیز دسته‌بندی خاصی برای نشانگرهای لفظی و معنوی ارائه نمی‌دهد (حوّی، ۱۴۲۴ ق).

تفاوت پژوهش حاضر با روش اصلاحی این است که پژوهش حاضر روشمند است در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

حالیکه روش وی بر برداشتهای مفسر متکی است. کار اصلاحی بـا دقـت بـالایی صـورت گرفته است و تقسیم‌بندی او به تقسیم‌بندی ایـن پـژوهش نزدیکتـر اسـت و بـا روش ایـن پژوهش، بخش‌های مورد نظر وی، به بخش‌های کوچکتری نیز تقسیم شده است، لیکن ابتدا و انتهای اکثر بخش‌ها مشابه است.

رابینسون در خصوص بخش‌بندی عنوان می‌دارد، بیشتر دلایل لفظی که بخش‌بندی بـر آنهـا مبتنی است با عنصر تکرار درگیر است. این تکرار معمولاً به یکی از شش صورت زیر است:

۱) شروع اولین و آخرین آیه یک بخش ممکن است شبیه هم باشند.

۲) عبارت غیر معمولی که در آیه دوم یک بخش رخ می‌دهد.

۳) ممکن است بخش به وسیله بازگشت عبارت مشابه یا یکسـان در دو آیـه بـه آخـر مانده یا ... به پایان برسد.

۴) یک کلمه یا عبارت کلیدی ممکن است بارها و بارها در بخش تکرار شود.

۵) ممکن است در اوج معادشناسی خاتمه یابد.

۶) ممکن است در جمع بندی به یک عبارت اعتقادی کلیشه‌ای منتهی گردد.

منظور رابینسون از بخش، همان فصل یا سیاق است و از نشانه‌های لفظی بیشـتر بـرای بیان روابط میان بخشهای مورد نظر خود استفاده کرده است و نه در بخش‌بنـدی موضـوعی (رابینسون، نیل؛ ترجمه شاکر، محمدکاظم، ۱۵۹).

سلوی العوی روشمند عمل نموده و علاوه بر شواهد لفظی از شواهد معنوی نیز اسـتفاده کرده است. پژوهش العوی در مواردی با این پژوهش قرابت و شباهت دارد.

العوی در سورهٔ احزاب، وجود «یاایها» را نشانگر آغاز پاره‌گفت دانسته است لـیکن بـا وجودیکه در آیات ۶۹ و ۷۰ نیز این مطلع وجود دارد آنها را آغازگر پاره‌گفـت نمـی‌دانـد بلکه آغازگر زیربخش نامیده و هردو را در یک زیربخش قرار داده است. از طرفی آیهٔ ۴۹ همین سوره را به تنهایی یک پاره‌گفت می‌داند. وی در سوره‌های فاقـد «یاایهـا» مـلاک و معیاری برای تعیین پاره‌گفت‌ها ارائه نکرده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

معیار تقسیم پاره‌گفت به زیربخش نیز از نظر وی عام است و نشانگرها و شاخص‌های مطرح شده در مواردی تداخل دارند. به عنوان مثال، «و اذ» در آیات ۷ و ۱۲ و ۳۷ آغازگر زیربخش است در حالی که از نظر او در آیهٔ ۱۰ آغازگربخش جدیدی نیست.

البته در این پژوهش نیز «و اذ» و «اذ» یادآور حکایت، داستان، خاطره یا رویداد خاصی تلقی شده‌اند و طبیعتاً در آنها موضوع جدیدی مطرح می‌شود، هرچند ممکن است ذیل موضوع قبلی نقل شده باشد؛ لیکن در پژوهش العوی، در بسیاری از موارد مشابه، از این الفاظ یا لفظ‌های دیگر به عنوان شاخص آغاز داستان و ... استفاده نشده است.

در پژوهش العوی، حرف «و» در آیهٔ ۲۵ سوره احزاب شاخص جزئی برای آغاز زیربخش تلقی شده لیکن در آیات بسیاری، آنرا آغازگر زیربخش نمی‌داند؛ در واقع در تمام موارد نیز آغازگر بخش نیست (العوی، سلوی محمد؛ ترجمه جلیلی، سید اکبر، ۱۳۹۵ ش).

تقسیم‌بندی در این پژوهش برخلاف روش العوی، جز در مواردی خاص، به حروف و کلمات و حتی موضوعات خاص وابسته نیست، بلکه قاعدهٔ عام و فراگیری است که بدون توجه به موضوع مطروحه در آیه، جایگاه آیه را در بخش، تعیین می‌کند و توسط آن مشخص می‌گردد که این آیه، آغازگر بخش جدیدی است یا ادامهٔ بخش جاری؟ «زیربخش» مورد نظر العوی معادل «بخش» این پژوهش است و «پاره‌گفت» معادل «فصل».

در جدول ۱، تقسیم‌بندی‌های هریک از مفسران و پژوهشگران فوق الذکر (در حد امکان دسترسی) ارائه شده و ملاحظه می‌شود که تقسیم‌بندی این پژوهش، در تعیین بخش‌ها از بین تفاسیر شباهت نزدیکتری به تقسیم‌بندی اصلاحی در تفسیر تدبر قرآن دارد.

٤. نتایج مقاله

۱. سوره‌های قرآن از موضوعات و مضامین متنوعی تشکیل شده‌اند که بر خلاف ظاهر پراکندهٔ موضوعات، بی‌ربط نیستند بلکه به عنوان اجزاء ساختاری، برای تأمین هدف و موضوع محوری سوره، ضروری و متناسب می‌باشند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۲. برخلاف نظر برخی قرآن‌پژوهان، تنوع موضوعات و مضامین، تغییرات ضمایر، تعویض گوینده و تغییر مخاطب نه تنها از معایب قرآن به شمار نمی‌رود، بلکه یکی از عوامل مؤثر در ایجاد ساختار سوره می‌باشد.

۳. در این پژوهش با استفاده از این تغییرات فوق، روش جدیدی جهت بخش‌بندی و تعیین اجزاء ساختاری سوره ارائه شد که هریک بیانگر موضوع و مضمونی متفاوت هستند.

۴. برخلاف روشهای مفسران و قرآن پژوهانی که غالباً با استفاده از شواهد معنوی، سوره را به اجزاء و بخش‌هایی تقسیم کرده‌اند، پژوهش حاضر با استفاده از شواهد و نشانه‌های لفظی به تقسیم‌بندی موضوعات و مضامین سوره‌ها پرداخت. در این راستا با مطالعه سورهٔ حجرات و چند سورهٔ دیگر، برخی شواهد و نشانه‌های لفظی شامل قَسَم، خطابات خداوند به پیامبر اکرمﷺ و سایرین و تکلم خداوند و غیره احصاء و قواعدی استخراج و با استفاده از آنها سورهٔ حجرات بخش‌بندی شد.

۵. در ادامه با استفاده از محتوای بخشهای قریب‌المضمون، سوره فصل‌بندی شد و در نهایت با استفاده از محتوای فصول، موضوع محوری سوره استخراج گردید.

۶. نتایج حاصل از روش‌های مفسران و پژوهشگران با یکدیگر متفاوت بوده و نتایج این پژوهش نیز در مواردی به برخی نزدیک و در مواردی متفاوت است. با توجه به موضوعات مطرح شده در هر بخش، می‌توان صحت تقسیم‌بندی‌ها را ارزیابی و در مورد آن‌ها قضاوت نمود.

۷. در مقایسه با سایر تلاشهای صورت گرفته برای تقسیم‌بندی سوره‌ها به اجزاء ساختاری، این پژوهش دارای مزایایی چون: دسته‌بندیِ شواهد لفظیِ تعیین‌کنندهٔ بخش‌ها، عمومیت و شمول قواعد پیشنهادی در بسیاری از سور قرآن کریم، و دارا بودن قابلیت برنامه نویسی رایانه‌ای می‌باشد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.

۲. آرام، محمدرضا و فاطمه لایقی، بررسی ساختار سوره مائده با رویکرد ساختار درختی، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۱۹، ۱۳۹۵ش.

۳. آقایی، سید علی، انسجام قرآن، رهیافت «فراهی– اصلاحی» در تفسیر، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۴۶، ۱۳۸۶ش.

۴. همو، رهیافت وحدت موضوعی سوره‌های قرآن در الأساس فی التفسیر، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۵۶، ۱۳۸۷ش.

۵. اصلاحی، امین احسن، تدبر قرآن، پاکستان، لاهور، فاران، ۲۰۰۹م.

۶. العوی، سلوی محمد، ترجمه سید اکبر جلیلی، روابط متنی در قرآن، ربط، پیوستگی و ساختار، تهران، نویسه پارسی، ۱۳۹۵ش.

۷. ایازی، سید محمدعلی، چهره پیوسته قرآن، صحیفه مبین (هستی نما)، شماره ۶ و ۷، ۱۳۷۵ش.

۸. بهرامی، محمد، پیوند آیات سوره‌های قرآن در تفسیر فی ظلال قرآن، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۵۹، ۱۳۸۸ش.

۹. توکلی محمدی، نرجس، و اعظم پویازاده، واکاوی کارکرد تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی متن قرآن کریم، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، شماره ۴، ۱۳۹۶ش.

۱۰. تیموری، محمد، ساختار تصویری سوره‌های قرآن کریم، تهران، سنجش و آموزش، ۱۳۹۹ش.

۱۱. همو و قاسم درزی و مصطفی برهانی، پایان نامه «تبیین نقش تصویرپردازی در کشف ساختار سوره‌های قرآن»، تهران، ۱۳۹۸ش.

۱۲. حجتی، سیدمحمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ش.

۱۳. حرّی، ابوالفضل، درباره کتاب روابط متنی در قرآن – مناسبت، انسجام و ساختار، کتاب ماه دین، شماره ۱۷۱، دی ۱۳۹۰ش.

۱۴. حوّی، سعید، الاساس فی التفسیر، قاهره، دارالسلام، ۱۴۲۴ق.

۱۵. خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره‌های قران کریم، نشریه نسیم وحی، شماره۲۵، دی ۱۳۸۹ش.

۱۶. همو، مجموعه کامل ساختار سوره‌های قرآن کریم، قم، آیه نور، ۱۳۹۵ش.

۱۷. همو، نظریه هدفمندی سوره‌ها، مبانی و پیشینه، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۵۱، ۱۳۸۶ش.

۱۸. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.

۱۹. دهقانی فارسانی، یونس، ساختار سوره انشقاق، مجله بلاغ نوین، شماره ۱۴، ۱۳۸۷ش.

۲۰. دیالمه، نیکو، خردورزی در هندسه معرفتی تفسیر سوره حجرات، مطالعات تفسیری، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۲ش.

۲۱. ذوقی، امیر، نگره ای جدید در باره انسجام متنی سوره‌های قرآن، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۹۴، ۱۳۹۲ش.

۲۲. رابینسون، نیل، ترجمه محمدکاظم شاکر، دستان باز قرائتی دوباره از سوره مائده، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۶۹، ۱۳۹۱ش.

۲۳. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۳ش.

۲۴. زارع زردینی، احمد، بررسی نظم در سوره‌های قرآن، کوششی در جهت کشف نظم در سوره یاسین، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۵ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

۲۵. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمهٔ سیدمهدی حائری قزوینی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۵ش.
۲۶. شیرازی، معصومه، و نصرت نیل ساز و محمدعلی لسانی فشارکی، رویکردهای خاورشناسان به مسئلهٔ انسجام قرآن سیر تحوّل تاریخی، ویژگی‌ها، زمینه‌ها، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۴۱، بهار ۱۳۹۸ش.
۲۷. صانعی‌پور، محمد حسن، پیوستگی متن قرآن کریم، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵ش.
۲۸. طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، به ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۲۹. طیب، سید محمد تقی، تحلیل کلام خدا، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۹۷، ۱۳۷۹ش.
۳۰. غروی، سعیده، تفسیر ساختاری سوره «یس» با تأکید بر تفسیر المیزان، مطالعات تفسیری، سال ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۴ش.
۳۱. قاضی‌زاده، کاظم، و علیرضا محمدپور گرجی، وجوه تناسب در واحد منسجم سوره، دو فصلنامه تخصصی علوم قرآن و حدیث حسنا، شماره ۲۹ و ۳۰، ۱۳۹۵ش.
۳۲. قطب، سید، و دکتر مصطفی خرم دل، ترجمه فی ظلال القرآن، تهران، نشر احسان، ۱۳۹۳ش.
۳۳. لسانی فشارکی، محمدعلی، و حسین مرادی زنجانی، سوره شناسی، قم، نصایح، ۱۳۹۵ش.
۳۴. همو، علوم قرآنی، قم، یاران، ۱۳۹۵ش.
۳۵. مکوند، محمود، و محمدکاظم شاکر، بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۷۶، پاییز ۱۳۹۴ش.
۳۶. مؤدب، سید رضا، و محسن قربانیان، کارکردهای «پیوستگی سوره» در تفسیر با تطبیق بر تفاسیر المیزان علامه طباطبایی و فی ظلال القرآن سیدقطب، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۲۱، ۱۳۹۶ش.
۳۷. ناظمیان، هومن، پیوند فرم و ساختار با محتوا در سوره مبارکه تکویر، فصلنامه انجمن علمی ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۷، ۱۳۹۲ش.
۳۸. نساج، مریم، و عباس اسماعیلی زاده، بررسی ساختار سوره انسان و دسته بندی آیات آن، فصلنامه کتاب قیم، شماره ۳، ۱۳۹۰ش.
39. EL-AWA, SALWA MOHAMED SELIM, Textual Relations in the Q ur'an, UK, ProQuest LLC, 2017.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-10-30]